



پیامدهای تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتالی بین نسلی (وظایف والدین و مبلغان)

پدیدآورده (ها) : رحمتی، حسین علی

علوم تربیتی :: پژوهش نامه تربیت تبلیغی :: تابستان 1392 ، سال اول - شماره 2

از 155 تا 183

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1021205>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 25/12/1394

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به [صفحه قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

پیامدهای تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتالی بین نسلی (وظایف والدین و مبلغان)



در گفت‌وگو با دکتر حسینعلی رحمتی*

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

مدتی قبل ساعت یک یا دو بعد از نیمه‌شب بود که هنگام کار با اینترنت متوجه شدم یکی از جوان‌هایی که می‌شناختم، به قول معروف «آنلاین» است؛ وقتی از او پرسیدم چرا این وقت شب نخوابیده است، گفت: «الان برنامه‌های «وایبر»، «واتس آپ» و «لاین» در تلفنم فعال است و با چند نفر از دوستانم با این برنامه‌ها در تماس هستم». طبیعتاً اگر شما از والدین این جوان درباره این برنامه‌ها سؤال کنید ممکن است اصلاً نام آنها را هم نشنیده باشند، چه رسد به اینکه از آنها استفاده کنند یا از خوب و بد آنها خبر داشته باشند. این تفاوت و فاصله بین والدین و فرزندان را می‌توان «شکاف دیجیتالی» بین دو نسل نامید.

* Email: Ha.Rahmati@gmail.com

■ با عرض سلام و خسته نباشید؛ از اینکه وقت شریفتان را در اختیار فصلنامه پژوهش‌نامه تربیت تبلیغی گذاشتید، نهایت تشکر را داریم. به عنوان اولین سؤال اگر امکان دارد مختصری از شرح حال شخصی و علمی خود را برای مخاطبان فصلنامه بیان بفرمایید؟

با نام و یاد خدا سخن را آغاز می‌کنیم و ذهن و زبانمان را به او می‌سپاریم. بنده هم ضمن عرض سلام خدمت شما و مخاطبان گرامی مجله، از اینکه امکان این گفت‌وگو را فراهم کردید، تشکر می‌کنم. حقیقتاً مطلب آن است که از زندگی شخصی بنده چیزی که بیان آن برای مخاطبان شما مفید باشد، الآن به نظرم نمی‌رسد. دربارهٔ فعالیت‌های علمی هم باید بگویم به لطف خداوند سه دهه اخیر عمر بنده، عمدتاً صرف تحصیلات حوزوی و دانشگاهی یا فعالیت‌های فرهنگی و پژوهشی شده است. حوزه اصلی تحقیق و تحصیلم، فلسفه و کلام است؛ البته در سال‌های اخیر بیشتر بر فلسفه اخلاق متمرکز شده‌ام. حاصل تلاش‌های پژوهشی‌ام، تألیف و تدوین حدود ده کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله بوده که برخی از آنها منتشر شده و برخی نیز هنوز منتشر نشده است. در زمینه تدریس هم از نخستین روزهای طلبگی تا به حال، کم‌وبیش و به تناوب در حوزه و دانشگاه در زمینه فلسفه اسلامی و غرب، فلسفه اخلاق، منطق، روش تحقیق، ادبیات عرب و معارف اسلامی تدریس داشته‌ام و حدود بیست سال است که با مراکز مختلف حوزوی و دانشگاهی، همکاری علمی و پژوهشی دارم. ارائه مقاله در برخی از همایش‌های داخلی و خارجی، سخنرانی علمی در مجامع حوزوی و دانشگاهی، مدیرمسئول و سردبیری مجلات علمی، ارائه مشاوره علمی و پژوهشی به طلاب و دانشجویان، طراحی فرایندهای پژوهشی، مدیریت پروژه‌های پژوهشی و ارزیابی آثار علمی نیز بخشی دیگر از فعالیت‌های بنده بوده است.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



■ یکی از موضوعاتی که حضرت عالی اخیراً به آن پرداخته‌اید، مسئله شکاف دیجیتالی بین نسلی است. از آنجا که این بحث را محور گفت‌وگوی حاضر قرار داده‌ایم، اگر امکان دارد این موضوع را برای مخاطبان فصلنامه تبیین فرمایید؟

برای فهم بهتر مفهوم شکاف دیجیتالی اجازه دهید از مثالی که اخیراً اتفاق افتاد، کمک بگیرم. مدتی قبل ساعت یک یا دو بعد از نیمه‌شب بود که هنگام کار با اینترنت متوجه شدم یکی از جوان‌هایی که می‌شناختم، به قول معروف «آنلاین» است؛ وقتی از او پرسیدم چرا این وقت شب نخوابیده است، گفت: «الان برنامه‌های «وایبر»، «واتس آپ» و «لاین» در تلفنم فعال است و با چند نفر از دوستانم با این برنامه‌ها در تماس هستم». طبیعتاً اگر شما از والدین این جوان درباره این برنامه‌ها سؤال کنید ممکن است اصلاً نام آنها را هم نشنیده باشند، چه رسد به اینکه از آنها استفاده کنند یا از خوب و بد آنها خبر داشته باشند. این تفاوت و فاصله بین والدین و فرزندان را می‌توان «شکاف دیجیتالی» بین دو نسل نامید.

به‌رحال قبل از آنکه به بررسی مفصل پیامدهای تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتالی بین-نسلی بپردازیم، لازم است به چند مطلب اشاره شود.

مطلب اول اینکه مسئله تفاوت و فاصله بین نسل گذشته و نسل جدید یک جامعه، موضوع جدید و مختص جامعه ما هم نیست، چراکه عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری این شکاف، معمولاً در همه جوامع وجود داشته و دارد. یک وجه این امر برمی‌گردد به نسبت انسان با «زمان» و متغیر بودن زمان از یک طرف از طرف دیگر و تغییر و تحولاتی که در هر عصر و دوره‌ای به وجود می‌آید. معمولاً آدمی در طی زندگی خود علاوه بر باورها و اعتقاداتی که بر اساس تحقیق یا تقلید به دست می‌آورد، به مرور زمان با برخی از آداب و رسوم و ارزش‌های اخلاقی،



تربیتی و فرهنگی نیز انس می‌گیرد؛ از سوی دیگر، چنین کسی وقتی به عنوان پدر یا مادر با فرزندان خود مواجه می‌شود، کم‌وبیش تمایل و توقع دارد که فرزندانش هم به عنوان نسل جدید، تابع نسل گذشته باشند و باورها، اعتقادات و حتی سبک زندگی آنها را بپذیرند. از طرفی دیگر، در هر زمانه‌ای پدیده‌های نوین یا آداب و رسوم یا ابزارهای جدیدی پیدا می‌شود که لزوماً در گذشته وجود نداشته است. مسئله شکاف بین نسل‌ها از وقتی آغاز می‌شود که میزان آگاهی نسل گذشته و نسل جدید از مقتضیات زمان، همسان‌سازی خود با آنها یا میزان دسترسی و استفاده آنها از ابزارهای جدید یا میزان تأثیرپذیری آنها از وضعیت جدید با یکدیگر تفاوت و فاصله‌ای معنادار پیدا کند. البته عوامل دیگری چون عدم درک متقابل نیز می‌تواند بر این فاصله بیفزاید.

نکته دوم اینکه قید «دیجیتال» وقتی به شکاف بین نسلی اضافه شود، اگر مقصود فناوری‌های اطلاع‌رسانی و ارتباطی دیجیتال باشد آن را به موضوعی مختص عصر حاضر تبدیل می‌کند؛ چراکه این بحث ناظر می‌شود به فاصله‌ای که بین نسل گذشته و نسل جدید به وجود می‌آید؛ ولی عامل یا زمینه‌ساز اصلی پیدایش آن، رسانه‌ها و ابزارهای دیجیتال ارتباطی و اطلاع‌رسانی است. وقتی میزان آگاهی، دسترسی، استفاده و تأثیرپذیری نسل امروز از ابزارهای جدید بیش از نسل گذشته باشد، می‌توان گفت بین این دو نسل یک نوع شکاف ایجاد شده که با توجه به نقش مهمی که این ابزارها در شکل‌گیری فاصله یا شکاف بین نسل‌ها بازی می‌کند، می‌توان آن را «شکاف دیجیتالی بین - نسلی» نامید. هراندازه این فاصله زیادتر شود، پیامدهایش هم بیشتر می‌شود.

نکته سوم اینکه در این گفت‌وگو بنده بیشتر تمایل دارم از اصطلاح «نسل گذشته» استفاده کنم تا «والدین»؛ چون مسئله شکاف بین نسلی فقط یک نسبت؛

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



بین والدین و فرزندان نیست؛ بلکه مثلاً نسبت بین مدیران جامعه و نسل جدید نیز هست.

نکته چهارم اینکه شکاف دیجیتالی به خودی خود «لزوماً» پیامد مخرب ندارد، ولی «به احتمال خیلی زیاد» چنین پیامدهایی را دارد. مقصود این است که صرف اینکه میزان آگاهی یا استفاده فرزندان از فناوری‌هایی چون اینترنت بیش از والدینشان باشد، منجر به مشکلات تربیتی و اخلاقی نمی‌شود؛ چراکه اگر بین این دو نسل، تعامل و اعتماد متقابل وجود داشته باشد، به‌ویژه اگر والدین توانسته باشند فرزندان خود را از نظر اخلاقی و تربیتی تربیت کنند یا خود نسل جدید آگاهی و توجه لازم را داشته باشند، طبیعتاً فرزندان می‌توانند با کمترین آسیب از ابزارها و فناوری‌های جدید استفاده کنند و حتی به یاری والدین خود بشتابند. بله، اگر چنین کاری انجام نگرفته باشد و اگر والدین و دیگر کسانی که در این زمینه مسئولیت دارند در ایفای مسئولیت خود در قبال نسل جدید کوتاهی کرده باشند، آن وقت است که شکاف دیجیتالی زمینه‌ساز مشکلات گوناگونی می‌شود.

نکته پنجم اینکه مشکلاتی که در بالا به آنها اشاره شد، ابعاد و جوانب مختلفی دارد که یکی از آنها، وجه تربیتی و اخلاقی ماجرا است. به‌عبارت‌دیگر، شکاف دیجیتالی می‌تواند تأثیرات خود را در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و اقتصادی هم نشان دهد. بنابراین، لازم است هر یک از متفکران، مدیران و نهادهای موجود در جامعه با توجه به وظایف و مسئولیت‌های خود، مسئله شکاف دیجیتالی بین نسلی را مورد توجه و بررسی قرار دهند و البته هر اندازه اینها با یکدیگر در تعامل باشند و موضوع را به‌صورت بین‌رشته‌ای بررسی کنند، امکان اینکه به نتایج بهتری نیز برسند، بیشتر می‌شود.



و بالاخره نکته ششم عبارت است از اینکه بررسی تربیتی و اخلاقی مسئله شکاف دیجیتالی بین نسلی را نیز می‌توان هم از منظر دینی و هم غیردینی بررسی کرد و بدیهی است که هر یک از این دو منظر، دست‌کم هنگام ارائه راه‌حل برای پر کردن این شکاف، با یکدیگر گاهی اختلافات مبنایی خواهند داشت. همچنین در دیدگاه دینی هم می‌توان بحث را از دیدگاه اسلام و دیگر ادیان مورد بررسی قرار داد.

■ با توجه به آنچه گفته شد اگر موافق باشید در این گفت‌وگو بیشتر بر روی بُعد اخلاقی و تربیتی مسئله شکاف دیجیتالی بین نسلی متمرکز شویم.

بله، با توجه به اینکه بررسی موضوع از منظر همه ابعادی که گفته شد، هم از تخصص بنده و هم از حوصله این گفت‌وگو بیرون است و با توجه به اهمیت تربیت و اخلاق، بهتر آن است که از این منظر به موضوع نگاه کنیم.

■ به نظر جناب عالی چه عواملی باعث ایجاد شکاف دیجیتالی بین خانواده و فرزندان می‌شود؟

بهتر است سؤالتان را اصلاح یا تکمیل نمایید و به‌جای «خانواده» بگویید نسل گذشته یا نسل بزرگ‌ترها؛ چون همان‌طور که گفتم در بحث شکاف دیجیتالی بین نسلی، والدین فقط یک بخش ماجرا هستند، ولی این شکاف بین نسل جدید، مدیران و برنامه‌ریزان جامعه نیز می‌تواند، ایجاد شود. از این‌رو، شاید بهتر باشد بگوییم شکاف بین نسل جدید و نسل گذشته؛ باید توجه داشت که کلمه «گذشته» در اینجا بار ارزشی منفی ندارد؛ بلکه مقصود، نسلی است که نسبت به نسل امروز از سن و سال بالاتری برخوردار است. بنابراین در بحث از شکاف بین نسلی بایستی هر یک از دو «نسلی» که در دو طرف این شکاف

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه

پژوهش‌نامه

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



ایستاده‌اند را به روشنی تعریف و مشخص کرده و وظایف و مسئولیت‌های تربیتی و اخلاقی هر کدام را بیان نماییم.

به‌هر حال در پاسخ به سؤال شما مبنی بر عوامل و زمینه‌های ایجاد شکاف دیجیتالی، می‌توان به چند عامل اشاره کرد. باید توجه داشت که هر یک از این عوامل تا اندازه‌ای و در مواردی تأثیر دارند.

۱. **عدم تعادل حرکتی بین دو نسل:** میل نسل گذشته، بیشتر به حفظ وضع موجود و تمایل نسل جدید تغییر آن است. به هر اندازه سن انسان بالاتر می‌رود معمولاً روحیه محافظه‌کاری در او تقویت می‌شود و تمایل و انگیزه‌اش برای ورود به دنیاهای جدید و تجربه‌هایی که با آنها احساس بیگانگی می‌کند، کمتر می‌شود. از سوی دیگر، نسل جدید به خاطر روحیه پویا و جست‌وجوگر خود تمایل بیشتری به تجربه‌های جدید دارد و معمولاً نه تنها از آنها هراسی ندارد، بلکه سعی می‌کند آنچه گذشتگان برایش ترسیم کرده‌اند را مورد تردید و پرسش قرار داده و خود دست به تجربه‌های نوین بزند. آشنایی با ابزارها و فناوری‌های جدید و استفاده از آنها یکی از اموری است که در حوزه این تجربه قرار می‌گیرد، به‌ویژه که فناوری‌های جدید معمولاً امکانات، کاربردها و جذابیت‌هایی دارد که نسل امروز نمی‌تواند به آسانی از آنها چشم‌پوشی کند. وقتی این روحیه نوجویی و تنوع‌طلبی در نسل جدید که خواهان تسریع در ارتباط با دنیای امروز است، نتواند با آن روحیه محافظه‌کارانه یا حرکت آهسته‌تر نسل قدیم ارتباط متعادل و منطقی برقرار کند، طبیعی است که بین آنها فاصله‌ای ایجاد می‌شود که می‌توان آن را شکاف دیجیتالی نامید.

۲. **ضعف دیالوگ و گفت‌وگو بین دو نسل:** هر یک از نسل گذشته و نسل جدید با یکدیگر اشتراکاتی و افتراقاتی دارند؛ مثلاً در جامعه ما علقه‌ها و



علاقه‌های دینی و ملی معمولاً هر دو نسل را به هم پیوند می‌زند؛ ولی از سوی دیگر، از آنجا که هر یک از این دو نسل متعلق به دو دوره زمانی مختلف هستند (دوره‌های زمانی که شاید بین آنها بیست و حتی ده سال فاصله باشد) به هر حال هر کدام تابع شرایط زمانی خود نیز هستند و با توجه به زیست - بوم فکری و فرهنگی و عوامل تأثیرگذار بر آنها از یکدیگر متمایز می‌شوند. به این مطلب، تفاوت‌هایی که ناشی از اقتضائات سنی، جسمی، روحی و سبک زندگی است، نیز اضافه کنید. را با توجه به آنچه گفته شد، اگر دو نسل با توجه به موارد افتراقی که دارند، نتوانند گسل‌های معرفتی، روحی، روانی، فرهنگی و شخصیتی که بین آنها پدید می‌آید را به درستی ترمیم کنند و همچنین نتوانند یک نوع ارتباط و گفت‌وگوی معقول و منطقی بین خود ایجاد نمایند، چراغ رابطه بین آنها خاموش یا کم‌سو می‌شود و از هم دور می‌شوند. حال اگر این فاصله، متأثر از فناوری‌های دیجیتال باشد، می‌توان گفت که شکاف دیجیتالی بین دو نسل به وجود آمده است.

عدم شناخت درست نسل گذشته از دنیای امروز: عصر حاضر به درستی به نام عصر فناوری اطلاعات و عصر دیجیتالی شدن همه چیز و حتی انسان، شناخته می‌شود. فرایند تولید، توزیع و استفاده از فناوری‌های جدید، به‌ویژه فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی، آن‌چنان پرشتاب است که حتی کسانی که به‌طور جدی این فرایند را پیگیری می‌کنند، گاه از همراهی با آن در می‌مانند. شعار دنیای امروز این است که «اطلاعات، قدرت است»؛ البته قدرتی که ثروت، شهرت، احترام و ده‌ها چیز دیگر را در پی دارد. به همین دلیل است که امروزه یک رقابت پایان‌ناپذیر بین جوامع مختلف و حتی بین شرکت‌های تولیدکننده اطلاعات، به‌ویژه غول‌های فناوری اطلاعات، درگرفته و هر روز شما شاهد یک فناوری یا ابزار جدید هستید و تا بیاید آن را بشناسید و از خوب و بد آن آگاه شوید یا از آن استفاده کنید،

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



ابزاری جدید با امکاناتی جدیدتر به بازار عرضه می‌شود. در چنین وضعیتی کار برای نسل گذشته (و البته نسل فعلی هم) بسیار دشوار می‌شود. نسل والدین از یک طرف به سبب این سیر شتابناک و از سوی دیگر به دلیل مشغولیت‌های دیگری (چون تأمین هزینه زندگی) و از سوی سوم به خاطر تعلق خاطر کمتری که به این فناوری‌ها دارد، معمولاً شناخت و استفاده کمتری از خود فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی دارد، چه رسد به اینکه بخواهد آنها را دست‌کم از منظر تربیتی و به‌ویژه تربیت اخلاقی مورد توجه قرار دهد و درباره استفاده خود یا نسل جدید از آنها تصمیم‌گیری نماید. وقتی این فقدان آگاهی و آشنایی در برابر آشنایی بیشتر و شوق روزافزون نسل جدید برای استفاده از فناوری‌ها قرار گیرد، کم‌کم موجب یک شکاف معرفتی بین دو نسل می‌شود.

در اینجا البته تذکر این نکته لازم است که استفاده بیشتر نسل جدید از این فناوری‌ها لزوماً به معنای داشتن آگاهی جامع و همه‌جانبه نیست و داشتن آگاهی بیشتر هم لزوماً به معنای درست و قابل دفاع بودن همه این آگاهی‌ها نیست. در اینجا فقط سخن در این است که تفاوت معنادار معرفت و آگاهی و میزان استفاده از فناوری‌ها می‌تواند موجب شکاف و فاصله معرفتی شود و این شکاف می‌تواند موجب مشکلات تربیتی و اخلاقی شود.

۳. بحران اعتماد: ما در جامعه خودمان درباره میزان اعتماد بین نسل گذشته و نسل جدید می‌توانیم طیفی از بدبینی و عدم اعتماد کامل تا خوش‌بینی مفرط و اعتماد کامل را مشاهده کنیم. برخی از والدین سبب اعتماد بیش از اندازه‌ای که به هر دلیل به فرزندان خود دارند، آنان را با فناوری‌های جدیدی که هر روز پا به عرصه ظهور می‌گذارد تنها گذاشته‌اند و در واقع به‌نوعی، خواسته یا ناخواسته، در قبال تربیت و اخلاق فرزندان‌شان از خود سلب مسئولیت کرده‌اند؛ از سوی دیگر، برخی از جوانان نیز به نسل گذشته خود اعتماد چندانی ندارند و دست‌کم



آنان را دربارهٔ مواجهه با فناوری‌های جدید یا درباره ابزارها، روش‌ها و مبانی تربیت، صاحب صلاحیت کافی نمی‌دانند و در واقع اتوریتته و حجیت آنان را در این زمینه نمی‌پذیرند یا با تردید به آن می‌نگرند. اینکه چرا این حالت‌های افراطی یا تفریطی پدید می‌آید، اینک محل بحث ما نیست؛ آنچه از منظر بحث حاضر باید بر آن تأکید شود این است که هر یک از این دو حالت افراطی و تفریطی منجر افزایش فاصله دو نسل می‌شود.

۴. تضعیف منابع تأثیرگذار سنتی نسبت به منابع تأثیرگذار جدید: در زمان‌های گذشته معمولاً خانواده‌ها و اطرافیان نزدیک، مثل پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و در مرحله بعد، کسانی چون روحانیون و معلمان، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تربیت اخلاقی فرزندان بودند. این ارتباط‌ها هم معمولاً به صورت حضوری و به قول معروف، «چهره به چهره» بود؛ اما در چند دهه اخیر با پیدایش و گسترش رسانه‌هایی، چون رادیو و تلویزیون، ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و مانند آن تا اندازه‌ای از تأثیر آن عوامل تربیتی سنتی کاسته شده و روز به روز تأثیر عوامل جدید، بیشتر آشکار می‌شود. اگر شما به اطراف خود نگاه کنید، می‌بینید که به اندازه‌ای که بچه‌های امروز وقت خود را صرف دیدن تلویزیون یا مشغول بودن با اینترنت و تلفن همراه می‌کنند با اطرافیان خود، حتی گاهی با والدین خود، انس و الفت ندارند. از منظر تربیتی، ثمره این فرایند آن می‌شود که فرزندان ما، الگوها و اصول و مبانی تربیتی و شاخصه‌های اخلاقی خود را بیشتر از رسانه‌ها می‌گیرند تا والدین خود. این امر به نوبه خود «می‌تواند» باعث فاصله افتادن بین نظام هنجاری، شاکله تربیتی و شخصیت اخلاقی نسل جدید با نسل گذشته شود.

۵. عدم نگاه متعادل و واقع‌بینانه به فناوری‌های ارتباطی: در بررسی تطبیقی مواجهه نسل والدین و نسل فرزندان با فناوری‌های دیجیتالی جدید، گاه شاهد

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه

پژوهش‌نامه
تربیتی

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



نوعی عدم نگاه واقع‌بینانه و متعادل به این فناوری‌ها هستیم؛ از یک طرف با نسل گذشته مواجهیم که معمولاً نگاه بدبینانه‌اش به این فناوری‌ها بیشتر است و بیشتر نگران استفاده از این فناوری‌ها است تا عدم استفاده از آنها؛ از سوی دیگر با نسل جدید مواجهیم که میزان خوش‌بینی‌اش به این ابزارها بیشتر است و اصل را بر استفاده از آنها قرار می‌دهد. به همین سبب است که مثلاً اگر شما دیدید مدل تلفن همراه فرزندان از مدل تلفن همراه والدینشان جدیدتر و قیمت آن هم بالاتر است، نباید تعجب بکنید. به نظر می‌رسد در نگاه هر یک از این دو گروه، نوعی عدم شناخت واقع‌بینانه دیده می‌شود و از آنجا که این دو نگاه در اقبال یا عدم اقبال به فناوری‌های دیجیتال تأثیر جدی دارد، در عمل موجب فاصله افتادن بین دو نسل می‌شود.

۶. عدم برخورداری نسل گذشته از شرایط استفاده از فناوری‌های جدید: آشنایی و استفاده از فناوری‌های جدید نیازمند لوازم و ملزوماتی (از قبیل آشنایی با زبان انگلیسی) است که گاه نسل جدید از آن بی‌بهره یا کم‌بهره است و خود این امر موجب می‌شود که آگاهی‌اش درباره این فناوری‌ها و انگیزه‌اش برای استفاده از آنها، کمتر از نسل جدیدی باشد که معمولاً در این زمینه‌ها از نسل والدین خود جلوتر است.

۷. تفاوت اولویت‌ها و مشغولیت‌های دو نسل: نسل والدین، برخلاف نسل فرزندان، معمولاً بیشتر دل‌مشغول اموری چون تأمین هزینه‌های زندگی است و به همین علت گاهی آشنایی با فناوری‌های جدید و استفاده از آنها برای او جزو اولویت‌های نخستین محسوب نمی‌شود و طبیعتاً در این راه، وقت و هزینه چندانی هم صرف نمی‌کند. این امر می‌تواند فاصله ارتباطی دو نسل را با فناوری‌های دیجیتال بیشتر کند.





۸. مسئولیت‌گریزی برخی بزرگ‌ترها: واقع مطلب این است که بزرگ‌ترها، اعم از والدین و مدیران جامعه، درباره تربیت فرزندان و نسل جدید، به‌ویژه تربیت اخلاقی آنها، وظایف و مسئولیت‌های بسیار سنگینی دارند. در دستورات دینی ما همان‌طور که بر احترام به پدر و مادر سفارش شده، بر وظایف آنها نیز تأکید شده است. همان‌گونه که والدین وظیفه دارند که برای فرزندان خود غذای سالم فراهم کنند و مانع از آسیب و بیماری جسمی آنان شوند، همچنین وظیفه دارند که غذای روحی، فکری و تربیتی سالمی برای آنان تهیه کنند و درباره سلامت تربیتی و اخلاقی آنان حساسیت داشته باشند. امروزه فناوری‌های جدید در کنار مزایای غیر قابل انکاری که دارند، می‌توانند موجب مشکلات و آسیب‌های جدی اخلاقی و تربیتی برای فرزندان شوند. بنابراین، هرگونه بی‌خیالی و بی‌تفاوتی والدین و دیگر بزرگ‌ترهای جامعه، علاوه بر تشدید این آسیب‌ها، موجب عمیق‌تر شدن شکاف بین نسلی می‌شود.

۹. گسل‌های معرفت‌شناختی و جهان‌شناختی: با توجه به ارتباط وثیق بین عمل و نظر انسان، هرگونه تغییر در «بینش و نگرش» انسان به جهان بر روی «کنش» او نیز تأثیر می‌گذارد. به همین سبب است که برای تربیت افراد باید قبل از هر چیز، نوع نگاه آنها را تغییر دهیم تا اثرات این تغییر در اخلاق و رفتارشان مشاهده شود. اگر بخواهیم به موضوع گفت‌وگوی حاضر از این منظر بنگریم، باید بگوییم که نگاه نسل جدید به انسان و جهان و مراوده با دنیای امروز و بهره‌گیری از مزایای آن تا اندازه‌ای با نسل گذشته تفاوت کرده است. این نسل بیشتر تمایل به ارتباط گسترده‌تر با جهان و بهره‌گیری بیشتر از مواهب و دستاوردهای آن دارد. این تفاوت نگرش در عرصه عمل و نظر، موجب ایجاد یا تعمیق گسل‌های بین نسلی می‌شود.

■ آنچه گفته شد بیشتر ناظر به عوامل شکل‌گیری شکاف دیجیتالی بین نسلی بود؛ اما سؤال مهمی که اینجا مطرح می‌شود و اتفاقاً با موضوع گفت‌وگوی حاضر ارتباط بیشتری پیدا می‌کند این است که این شکاف یا گسل یا فاصله‌ای که بین دو نسل پیش می‌آید از نظر تربیتی چه پیامدها، آسیب‌ها و عوارضی را در بر دارد؟

یکی از دلایلی که موجب شد عوامل شکل‌گیری این گسل‌ها به طور نسبتاً مفصلی مطرح شود این بود که تا وقتی ما مفهوم، ماهیت و عوامل و زمینه‌های ایجاد فاصله بین دو نسل را به درستی نشناسیم، نمی‌توانیم برای رفع یا کاهش آن اقدام جدی به عمل آوریم. این آشنایی فقط برای والدین نیست؛ بلکه مدیران، برنامه‌ریزان، سیاست‌گذاران و نهادهای تبلیغی و تربیتی بیش از والدین نیازمند این آشنایی هستند، چراکه شعاع، گستره و میزان تأثیر عمل آنها در کاهش یا افزایش فاصله بین نسلی گاهی، از والدین هم بیشتر است.

به‌هرحال در پاسخ به سؤال مطرح شده باید گفت که ایجاد فاصله نامعقول و غیرمنطقی بین نسل گذشته و نسل حاضر، در طول زمان موجب پدید آمدن مشکلات و پیامدهایی می‌شود که پا را از عرصه زندگی فردی فراتر نهاده و در عرصه اجتماعی نیز خود را نشان می‌دهد. این پیامدها را می‌توان در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، روانی، عاطفی، اقتصادی و مانند آن ردیابی کرد. در اینجا بیشتر سعی می‌شود این مطلب از منظر اخلاقی و تربیتی مورد بررسی قرار گیرد. برای واضح شدن مقصود، سعی می‌شود این پیامدها در چند گروه دسته‌بندی شود. مبنای این تقسیم‌بندی آن است که در بحث شکاف دیجیتالی با چند گروه مواجه هستیم و همان‌طور که تعامل این چند گروه و استفاده درست آنها از فناوری‌های ارتباطی و اطلاع‌رسانی می‌تواند برای همگان



سودمند باشد، استفاده نادرست یا فاصله افتادن بین این گروه‌ها می‌تواند برای همه زیان‌بخش باشد. به‌رحال پیامدها و آسیب‌های اخلاقی و تربیتی شکاف دیجیتالی بین نسلی می‌تواند متوجه گروه‌های زیر شود:

الف) والدین: ایجاد فاصله بین دو نسل از نظر میزان آگاهی و بهره‌برداری از فناوری‌های نوین، اگر به صورتی باشد که فرزندان از والدین خود جلوتر باشند و این فاصله نتواند به‌گونه‌ای معقول و منطقی مدیریت شود، چندین مشکل را متوجه والدین می‌کند که عبارتند از:

۱. ناتوان شدن والدین از ایفای مسئولیت‌ها و وظایف تربیتی خود در قبال فرزندان: علت این امر آن است که این فناوری‌ها هم مجموعه‌ای از محتواهای درست و نادرست را در اختیار فرزندان قرار می‌دهد و هم به‌طور غیرمستقیم بر روی اخلاق و رفتار و شخصیت آنها تأثیر می‌گذارد. حال اگر والدین درباره خوب و بد این ابزارها اطلاعات و ارزیابی‌های لازم را نداشته باشند، نمی‌توانند فرزندان خود را راهنمایی کرده و آنها را از دام‌ها و خطراتی که بر سر راهشان قرار گرفته است، آگاه سازند. در ادبیات دینی ما تأکید شده است که «لا میراث کالادب»؛ (بهترین چیزی که افراد می‌توانند از خود به ارث بگذارند، ادب و تربیت صحیح است). بر این اساس می‌توان گفت پدر و مادری که در راه تربیت فرزندان خود، به‌ویژه تربیت اخلاقی آنها، نتوانند توفیقی به دست آورند، وارثان خوبی هم از خود به‌جا نخواهند گذاشت. این امر البته خود تبعات دیگری را نیز در پی دارد، از جمله اینکه والدین مجبور می‌شوند هزینه‌های مادی، روحی، روانی، اجتماعی و تربیتی ناشی از تربیت نادرست فرزندان خود را نیز پردازند؛ هزینه‌هایی که گاه بسیار سنگین است.

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه

پژوهش‌نامه

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



۲. جایگزین شدن منابع و الگوهای تربیتی نامطمئن به جای والدین: اگر فقط تلفن همراه را به عنوان یکی از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی عصر جدید در نظر بگیریم، می‌بینیم که هر روز یک امکان و یک برنامه یا بازی و سرگرمی جدیدی متناسب با این فناوری تهیه و به رایگان یا با هزینه‌ای اندک در اختیار کاربران قرار می‌گیرد. دسترسی به اینترنت نیز یکی از کاربردهای تلفن‌های همراه است که خود موجب می‌شود کاربران آن، با داده‌های فراوانی روبه‌رو شوند. جذابیت‌های پیدا و پنهان این امکانات از یک طرف و انس و ارتباط فرزندان با آنها از طرف دیگر، به مرور زمان موجب می‌شود که هر کدام به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نقش یک الگو یا مربی و آموزگار اخلاق و تربیت جدید برای فرزندان ظاهر شوند؛ مربیان و الگوهایی که لزوماً همگی حامل و مبلغ ارزش‌های اخلاقی و اصول تربیتی قابل قبولی نخواهند بود. اگر والدین با نقاط قوت و ضعف این مربیان جدید آشنا نباشند و نتوانند فرزندان خود و را در این زمینه راهنمایی کنند هم خود هم فرزندان‌شان با مشکلات گوناگونی دست به گریبان خواهند شد.

۳. تهدید نظام خانواده: هر یک از اعضای خانواده به مثابه یکی از ستون‌های نگهدارنده این ساختمان هستند که اگر آسیب ببینند به سهم خود موجب تزلزل در دیگر ارکان و آسیب دیدن کل این نهاد می‌شوند. بهره‌گیری نادرست از فناوری‌های جدید چه توسط والدین و چه از سوی فرزندان اگر در چارچوب اخلاق و دین نباشد، فرایند فروپاشی را تسریع می‌کند. حال اگر فاصله بین نسلی در خانواده ایجاد شود، طبیعتاً این مشکلات نیز تشدید می‌شوند.

ب) فرزندان: فرزندان را باید نخستین قربانیان تربیتی و اخلاقی شکاف و گسل دیجیتالی بین-نسلی دانست؛ خواه خود آنان در این زمینه مقصر باشند یا



نباشند. مواجهه نادرست با فناوری‌های جدید، بسترساز خطرات و مخاطرات تربیتی و اخلاقی فراوانی برای این نسل می‌شود. طبیعی است که شکاف بین نسلی موجب تشدید این مشکلات و ضعف در پیشگیری از آنها می‌شود. برخی از این مشکلات از این قرار است:

۱. **افتادن در دام ارتباط‌های مشکل‌آفرین:** یکی از مهم‌ترین وجوه و کاربردهای فناوری‌های دیجیتال عبارت است: از فراهم‌سازی ارتباط آسان، سریع و گسترده بین افراد و جوامع. در سال‌های اخیر با شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی بر شدت و قوت و در نتیجه بر میزان تأثیر این شبکه‌ها نیز افزوده شده است. این شبکه‌ها در کنار مزایای فراوان و غیرقابل انکاری که دارند، بستر ایجاد ارتباط‌های نامطمئن و خطرناک نیز هستند. امکان ناشناس یا مخفی ماندن و جذابیت‌های صوتی و تصویری این رسانه‌ها، زمینه هرگونه فریب و دروغ‌گویی را فراهم می‌کند. شکل‌گیری دوستی‌های بی‌ضابطه و خلاف شرع، قانون یا عرف، یکی از پیامدهای این وضعیت است که خود مشکلات دیگری را ایجاد می‌کند. فاصله افتادن بین نسل گذشته، به‌ویژه والدین و بین فرزندان موجب می‌شود که آنها نتوانند اولاً از فرو افتادن فرزندان خود در این دام‌ها مطلع شوند و ثانیاً نتوانند برای راهنمایی اخلاقی و نجات به‌موقع آنان اقدامات لازم را انجام دهند.

۲. **تضییع عمر و اتلاف جوانی:** کاربردهای متنوع و جذابیت‌های شکلی و محتوایی فناوری‌های جدید به‌گونه‌ای است که اگر استفاده از آنها به‌صورت درست مدیریت نشود، به مرور زمان شخص را برده و بنده خودکرده و نوعی اعتیاد ایجاد می‌کند؛ اعتیادی که گاه اثرش از اعتیاد به مواد مخدر اگر بیشتر نباشد، کمتر هم نیست. مشغول شدن بیش از اندازه به این فناوری‌ها علاوه بر اینکه موجب اسراف در سرمایه‌های مادی می‌شود، نوعی اسراف و تضییع عمر

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغی

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



و جوانی انسان را نیز در پی دارد. این وضعیت که در وهله اول به زیان خود فرد و در مرحله بعد به زیان کل جامعه است، هم از نظر عقلی و هم از نظر شرعی کاری ناپسند به شمار می‌آید. در کتاب *بحار الانوار*، ج ۷، روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که در روز قیامت شخص قدم از قدم بر نمی‌دارد، مگر اینکه درباره چند چیز از او سؤال می‌شود از جمله: «عَنْ عُمَرَةَ فِيمَا أَفْنَاهُ، وَعَنْ شَبَابِهِ فِيمَا أَبْلَاهُ»؛ (اینکه عمر و جوانی‌اش را به چه کاری و در چه راهی گذرانده است).

۳. محروم شدن از تجارب و راهنمایی‌های تربیتی و اخلاقی والدین: شکاف بین نسلی اگر ناشی از عدم اعتماد دو نسل باشد، موجب می‌شود که نسل جدید نتواند از دانسته‌ها و تجربه‌ها و راهنمایی‌های نسل بزرگ‌تر خود استفاده نماید؛ تجربه‌هایی که در اثر گذر سالیان فراوان و سختی‌های بسیار به دست آمده و هم اکنون می‌تواند به آسانی در اختیار نسل جدید قرار گیرد. پیامد این امر، آن است که این نسل مجبور می‌شود هزینه‌های گزافی به سبب بی‌تجربگی خود پردازد.

۴. مواجه شدن با ضربه‌های روحی و روانی: مشغول شدن بیش از اندازه با فناوری‌های دیجیتال می‌تواند در طول زمان نوعی وابستگی عاطفی بین افراد ایجاد کند. این روابط وقتی به دوستی‌های غیرقابل کنترل منجر شود به همان اندازه که سریع ایجاد شده، می‌تواند قطع شود. نتیجه این امر ایجاد مشکلات روحی و روانی و گاهی انحرافات اخلاقی و تربیتی است. در این میان، متأسفانه، دختران و زنان با خطرات بیشتری مواجه هستند و میزان آسیب‌ها و مشکلات آنان نیز بیشتر است.

۵. نقض حریم خصوصی: فناوری‌های دیجیتال به همان اندازه که عرصه‌ای برای تبادل اطلاعات است زمینه بسیار مناسبی برای سرقت اطلاعات دیگران نیز هست. کسی که با این فناوری‌ها سروکار دارد به طور خواسته یا ناخواسته و



به‌صورت مستقیم با غیرمستقیم بسیاری از اطلاعات مربوط به خود و خانواده‌اش را در معرض سرقت دیگران قرار می‌دهد. روشن است که باز کردن راه برای سرک کشیدن دیگران به حریم خصوصی انسان چه پیامدهای دهشت‌بار و خطرناکی را به‌ویژه برای جوانان و نوجوانان به دنبال دارد. یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری از نقض حریم خصوصی یا کاستن از پیامدهای آن، این است که بین والدین و فرزندان نوعی تعامل و ارتباط وجود داشته باشد و در این زمینه تدبیرهای لازم اندیشیده شود.

۶. **آلوده شدن به ردای اخلاقی:** از آنجا که کنترل و نظارت چندانی بر محتوای ارائه شده در اینترنت و دیگر فناوری‌های دیجیتال وجود ندارد و همچنین از آنجا که در فضای مجازی هم مثل فضای حقیقی همواره انگیزه‌ها، عوامل و زمینه‌های بی‌اخلاقی وجود دارد، همه افراد جامعه و به‌ویژه نوجوانان و جوانان می‌توانند در معرض آلودگی‌های اخلاقی و تربیتی این رسانه‌ها قرار گیرند. از بین رفتن حیا و عفت، افتادن در دام سوءاستفاده‌های جنسی و تشویق شدن به انجام کارهای خلاف و ناهنجاری‌های اخلاقی مختلف، برخی از پیامدهای این آلودگی‌ها است که والدین می‌توانند به شرط احساس مسئولیت و داشتن آگاهی‌های لازم، از لغزیدن پای فرزندان خود به این وادی جلوگیری نمایند.

ج) **نسل‌های آینده:** تبعات اخلاقی و تربیتی شکاف دیجیتالی بین نسلی نه‌تنها دامن‌گیر افراد و نهادهای محدود، مثل خانواده می‌شود بلکه کل جامعه و نسل‌های آینده را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ چراکه به‌ویژه در دنیای امروز، سرنوشت فرد و جامعه به هم گره‌خورده است و بین اعتلا و انحراف اخلاقی فرد و جامعه، پیوندی وثیق ایجاد شده است. جالب اینکه یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری این وضعیت، همین رسانه‌ها و فناوری‌های دیجیتال

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه

پژوهش‌نامه

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



هستند. همچنین از آنجا که نسل امروز، پدران و مادران، مدیران و مسئولان نسل آینده هستند، هرگونه ضعف و نقصان اخلاقی و تربیتی آنها بر روی نسل بعدی هم تأثیر می‌گذارد. خالی شدن صندوق ذخیره اخلاقی و تربیتی جامعه و تضعیف همبستگی و همگرایی اجتماعی (با توجه به نقش اخلاق و تربیت در ایجاد و تقویت این همبستگی) از دیگر پیامدهای مستقیم یا غیرمستقیم فاصله افتادن بین دو نسل است.

د) مدیران و سیاست‌گذاران جامعه: همان‌گونه که گفته شد، شکاف دیجیتالی بین نسلی وقتی که موجب تغلیظ مشکلات اخلاقی و تربیتی شود، کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به مسئولیت بزرگ مدیران جامعه، به‌ویژه در جامعه دینی، در قبال حفظ مرزهای اخلاقی جامعه، این شکاف موجب می‌شود که آنان نیز در مدیریت خود از این جهت با مشکلات فراوانی مواجه شوند. جدای از این موضوع، مشکلات اخلاقی فضای مجازی، حتی بر روی محیط زیست و طبیعت نیز تأثیرگذار است که در اینجا دیگر وارد این بحث نمی‌شویم.

■ **سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که در بحث ارتباط نسل جدید و نسل قدیم با فناوری اطلاعات به طور عام و از جنبه تربیتی آن به طور خاص، وضعیت مطلوب کدام است؟**

به طور مختصر می‌توان گفت، وضعیت مطلوب آن است که اولاً میزان آگاهی والدین از کاربردهای مختلف و نقاط ضعف و قوت این فناوری‌ها و همچنین تأثیرات مثبت و منفی اخلاقی و تربیتی آنها، بیشتر از فرزندانشان باشد؛ ثانیاً بین فرزندان و والدین یک تعامل و ارتباط سازنده و مبتنی بر اعتماد متقابل وجود داشته باشد و هر کدام به دنبال کمک به دیگری باشند نه اینکه مثلاً یکی



به دنبال مخفی‌کاری باشد و دیگری به دنبال مچ‌گیری؛ ثالثاً آشنایی و دسترسی فرزندان با این فناوری‌ها پیش و بیش از هر چیز از طریق والدین انجام شود.

■ در اینجا البته یک سؤال دیگر پیش می‌آید و آن اینکه حد و مرز این آگاهی چیست؟ به عبارت دیگر، متعلق آگاهی والدین چه چیزهایی باید باشد؟

با توجه به تأثیرات مهم تربیتی و اخلاقی این فناوری‌ها و هزینه‌های مختلف (و گاه غیرقابل جبرانی) که می‌تواند بر همه افراد خانواده تحمیل کند، نخستین گام آن است که والدین در این زمینه احساس مسئولیت کنند. گام دوم آن است که به دنبال کسب و افزایش آگاهی و اطلاعات خود باشند. این آگاهی باید در چند زمینه باشد، درباره خود این فناوری‌ها، ماهیت آنها و امکاناتی که هر کدام دارد. این البته کف مطلب و سطح اول است. سطح بعدی که مهم‌تر است اینکه والدین بدانند هر یک از این ابزارها و فناوری‌ها چه تأثیرات مثبت یا منفی اخلاقی و تربیتی می‌توانند در بر داشته باشند؛ و سطح سوم آن است که بدانند برای پیشگیری یا کاهش تبعات منفی این فناوری‌ها و در عین حال استفاده از مزایای آنها چه باید کرد.

تا آنجا که بنده متوجه شده‌ام از بین سه سطح بیان شده، میزان آگاهی نسل والدین ما از سطح یک، کم است و از سطح دوم و سوم، که مهم‌تر هم هستند، بسیار کمتر از سطح یک است و این امر یک زنگ خطر و هشدار برای جامعه ما است که باید آن را جدی گرفت.

■ ولی ما می‌بینیم که در بسیاری از موارد همین به قول شما نسل والدین، از این فناوری‌ها گاهی بیشتر از فرزندانشان استفاده می‌کنند.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



بله اگر این سخن را درباره برخی از والدین بپذیریم، باید بگوییم که این آگاهی، بیشتر مربوط به سطح یک است که در بالا به آن اشاره شد، هر چند در همین مورد هم معمولاً بچه‌ها و گاه حتی فرزندان کم سن و سال، نسبت به والدین آگاهی و اطلاعات بیشتری دارند. آنچه از منظر گفت‌وگوی حاضر که ناظر به پیامدهای تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتال است، باید مورد توجه قرار گیرد، ضعف آگاهی والدین درباره سطح دوم و سوم از سطوح سه‌گانه‌ای است که به آنها اشاره شد. مدعای بنده، ناظر به بررسی‌هایی است که اجمالاً درباره افراد مختلف انجام داده‌ام؛ شما هم می‌توانید در این زمینه تحقیق کنید؛ چون راه‌کار هم خیلی ساده است. می‌دانید که امروزه در هر یک از خانه‌های ما، دست‌کم یک تلفن همراه و گاهی به تعداد افراد خانواده تلفن همراه وجود دارد. شما می‌توانید از بزرگ‌ترهای خانواده و فامیل سؤال کنید که درباره نرم‌افزارهای مختلفی که در گوشی تلفن همراه فرزندانشان است، چه اطلاعاتی دارند و آیا از کاربرد آنها مطلع هستند یا خیر (این مربوط به سطح یک است). در مرحله بعد از آنها سؤال کنید که میزان آگاهی‌شان درباره استفاده‌های مثبت و منفی از تلفن همراه چیست؟ آیا می‌دانند فلان برنامه‌ای که روی موبایل فرزندشان نصب شده در کنار فوایدی که دارد می‌تواند چه خطرات و مشکلات اخلاقی و تربیتی را در برداشته باشد. در بسیاری از موارد، والدین متأسفانه حتی اسامی این برنامه‌ها را هم نمی‌دانند، چه رسد به اینکه از کاربردهای آن اطلاع داشته باشند.

■ آیا این نگاه شما به فناوری و به شکاف دیجیتال بیش از اندازه بدبینانه نیست؟

سؤال خوبی مطرح کردید. شاید باید در ابتدای سخن این مطلب را می‌گفتم. ببینید، بنده معتقدم ما در مواجهه با فناوری‌های جدید، نه باید بیش از اندازه ساده برخورد کنیم و خوش‌بین باشیم و نه بیش از اندازه بدبین. با هر یک از این افراط و تفریط‌ها مشکلاتی را در بر دارد. خوش‌بینی بیش از اندازه و ولع



استفاده از این ابزارها موجب می‌شود که از خطرات تربیتی و اخلاقی و حتی ضررهای مالی، عاطفی و نقض حریم خصوصی و مواردی از این قبیل غافل شویم؛ از سوی دیگر، بدبینی بیش از اندازه هم موجب می‌شود که ما خود را از مزایا و منافع فراوان این فناوری‌ها محروم کنیم. بنابراین، به نظر من، اولاً هر یک از فناوری‌هایی، مانند تلفن همراه، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی دارای منافع و مضرات فراوان هستند؛ ثانیه نگاه ما به این فناوری‌ها باید واقع‌بینانه و متعادل باشد و ثالثاً استفاده ما از آنها باید کاملاً آگاهانه باشد.

■ این آگاهی را چه کسی باید به کاربران بدهد؟

طبیعتاً در این موارد نمی‌توان از شرکت‌های سازنده یا کسانی که با استفاده از این فناوری‌ها فقط به دنبال سود مادی هستند، انتظار زیادی داشت؛ هرچند آنها هم در این زمینه مسئولیت دارند، ولی خوب اگر آنها خیلی هنر کنند ممکن است تأثیرات این فناوری‌ها را بر روی سلامتی انسان یا محیط زیست بیان کنند. بنابراین، باید از چند گروه دیگر انتظار داشت که به طور جدی وارد این میدان شوند و هر کدام از جنبه‌ای این فناوری‌ها و شکاف دیجیتالی و تبعات تربیتی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، حتی اقتصادی و سیاسی آن را صادقانه برای مردم بازگو کنند. از آنجا که این گفت‌وگو درباره وجه اخلاقی و تربیتی شکاف‌های مرتبط با این فناوری‌ها است و از آنجا که ما معتقدیم این مطلب باید از منظر دینی و اسلامی مورد کاوش قرار گیرد، بنابراین بر این نکته تأکید می‌کنیم که بررسی و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی درباره وجه اخلاقی و تربیتی این فناوری‌ها بیش و پیش از همه بر عهده افراد، نهادها و مؤسسات تبلیغی و تربیتی جامعه است. مبلغان دینی و مربیان، اعم از اینکه جزو روحانیون حوزه‌های علمیه باشند یا نباشند، در این زمینه مسئولیت سنگینی دارند، گرچه به دلایلی، وظیفه طلاب و روحانیون بیشتر است. این سخن البته به معنای عدم مسئولیت

فصلنامه
علمی-تخصصی
پژوهش‌نامه
تبلیغی

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



دیگر نهادها و سازمان‌های موجود در جامعه، مانند رسانه‌های ملی و اجتماعی نیست.

■ پس در این میان نقش خانواده‌ها چه می‌شود؟ به‌ویژه که وقتی سخن از شکاف بین نسلی پیش می‌آید، نخستین مصداقی که به ذهن می‌رسد، والدین و فرزندان هستند.

با این سخن موافقم که والدین و فرزندان یکی از مصداق‌های بارز این بحث هستند؛ ولی اگر بخواهیم به طور جامع به موضوع تأثیرات تربیتی و اخلاقی شکاف دیجیتال بین نسلی نگاه کنیم و اگر نخواهیم به قول معروف همه گناه‌ها را گردن یک عامل بیندازیم، باید به افراد دو طرف این فاصله یا شکاف توجه داشته باشیم و وظایف و مسئولیت‌های هر کدام را به تفکیک بیان کنیم. یک طرف این ماجرا، نسل جدید هستند و در طرف دیگر آن از چند گروه می‌توانیم، نام ببریم. در گروه اول پدر و مادرها قرار دارند که نخستین کسانی هستند که اولین و بیشترین ارتباط را به‌ویژه در سنین اولیه عمر که دوره شکل‌گیری شخصیت و تربیت افراد است، با فرزندان دارند. گروه دوم، اطرافیان هستند که شامل کسانی چون پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، بستگان نزدیک، همسایه‌ها، همشهری‌ها و هم‌وطنان می‌شوند. گروه سوم، مدیران، مسئولان و سیاست‌گذاران جامعه هستند که نوع مواجهه آنها با فناوری‌های جدید و با نسل جدید می‌تواند نقش مهمی در تعمیق یا ترمیم شکاف دیجیتال و کاهش یا افزایش تبعات تربیتی و اخلاقی آن داشته باشد. گروه چهارم، تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان این فناوری‌ها هستند. با توجه به آنچه گفته شد، افراد خانواده، به‌ویژه والدین، باید در زمینه تربیت و اخلاق فرزندان احساس مسئولیت کنند و با استفاده از ابزارها و روش‌های درست



فرایند استفاده فرزندانشان از فناوری‌های جدید را طوری مدیریت کنند که هم از مزایای آنها بهره‌مند شوند و هم از مضرات آن در امان بمانند.

■ با توجه به بحث‌هایی که شد، خانواده‌ها برای کاهش تأثیرات مخرب این فناوری‌ها چه کاری می‌توانند انجام دهند؟

به طور مختصر می‌توان گفت که وظیفه والدین عبارت است از: احساس مسئولیت و پرهیز از بی‌تفاوتی، کسب آگاهی درباره فناوری‌ها، کسب آگاهی درباره پیامدهای تربیتی و اخلاقی آنها، راهنمایی و ارائه مشاوره به فرزندان و نظارت صحیح بر آنها.

■ و می‌رسیم به گروه دیگر، یعنی مبلغان و مربیان دینی؛ جایگاه و نقش آنها در این زمینه چیست؟

وظایف و مسئولیت‌های مبلغان دینی، تابعی از اهداف و وظایف خود دین است. از این‌رو، ابتدا باید جایگاه خود دین در اخلاق و تربیت روشن شود. هدف اصلی دین، تربیت انسان است. اصلاً خداوند، خود مربی انسان‌ها است و کلمه «رب» و «مربی»، هم‌ریشه‌اند. در دعای کمیل هم خطاب به خداوند گفته می‌شود: «يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذَكَرِي وَ تَرْبِيَّتِي وَ بَرِّي وَ تَغْذِيَّتِي». مهم‌ترین وجه تربیت انسان هم تربیت اخلاقی اوست. در خود آموزه‌های اسلامی، قراین و شواهدی بر این امر داریم. همان‌طور که می‌دانید پیامبر گرامی اسلام ﷺ هدف اصلی بعثت و پیامبری خود را تتمیم و تکمیل مکارم اخلاقی دانسته و همان‌طور که در کتاب *کنز العمال* آمده ایشان می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ». خود این سخن بهترین دلیل بر آن است که هدف اسلام یک هدف اخلاقی است و از این‌رو، هر هدف و نکته دیگر را نیز باید ناظر به این هدف تعریف نمود.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



درباره نقش مبلغان دین در تربیت و به‌ویژه تربیت اخلاقی باید گفت، آنچه درباره وظایف والدین گفته شد درباره مبلغان و مربیان هم صدق می‌کند، به علاوه که این گروه به خاطر تبلیغ دین هم مسئولیت بزرگ‌تری بر عهده دارند و هم شعاع مسئولیت و میزان تأثیرشان بیشتر است. این افراد باید همواره فرایند ورود فناوری‌های جدید به جامعه را از منظر تبلیغ دین و تربیت اخلاقی رصد کرده و به گونه معقول و واقع‌بینانه با آنها مواجه شوند و از سوی دیگر به دنبال یافتن راهکارهایی برای کاهش پیامدهای منفی آنها باشند و از سوی سوم، سعی کنند با روش‌ها و ابزارهای مناسب و جذاب، هم والدین و هم فرزندان را آگاه نمایند.

■ و نقش مدیران جامعه؟

مدیران و سیاست‌گذاران جامعه نیز ضلعی مهم از اضلاع بحث شکاف دیجیتالی بین نسلی هستند. آنان نیز اگر با اقتضائات دنیای جدید و فضای گفتمانی حاصل از فناوری‌های دیجیتال آشنا نباشند و نتوانند به گونه‌ای منطقی با این موضوع مواجه شوند، هرگونه گفتار و رفتارشان می‌تواند به این شکاف بین نسلی و در نتیجه به پیامدهای آن، دامن بزند. این گروه باید توجه داشته باشند که با صرف نگاه‌های سلبی و ایجاد ممانعت نمی‌توان امید داشت که نسل جدید از این فناوری‌ها دست بردارد یا از پیامدهایش در امان بماند؛ بلکه لازم است با بهره‌گیری از شیوه تعامل بر اساس احترام و اعتماد متقابل، با این نسل وارد گفت‌وگوی دوستانه شوند و به گونه‌ای عمل کنند که برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آنان، بیشترین منفعت را برای جامعه داشته باشد.

■ تا اینجا صحبت‌ها همه درباره یک طرف این شکاف بود. ما درباره طرف دیگر و البته مهم‌تر، این شکاف، یعنی نسل جوان هنوز صحبت چندانی



نکرده‌ایم. فکر نمی‌کنید از آنچه گفتید این برداشت شود که مثل برخی افراد دیگر می‌خواهید همه یا بیشتر بار مسئولیت را بر گردن نسل جوان بیندازید؟

امیدوارم اگر مخاطبان جوانی این گفت‌وگو را می‌خوانند، چنین برداشتی نداشته باشند. برای رفع این سوءتفاهم احتمالی، خوب است با صراحت بگویم که به هیچ‌وجه نباید در چنین بحث‌هایی به قول معروف یک طرفه به قاضی برویم و غیرمنصفانه قضاوت کنیم. اینکه من در پاسخ به یکی از پرسش‌های قبلی، افراد مرتبط با شکاف دیجیتالی را دسته‌بندی کردم، برای پرهیز از چنین سوءتفاهمی بود. بر این نکته هم تأکید کردم که هر یک از طرفین این شکاف در شکل‌گیری این فاصله و در پیامدهای آن و حتی برای رفع پیامدهای آن مسئولیت دارند و مسئول بودن والدین و مدیران، دیگر نهادهای موجود در جامعه به هیچ‌وجه نافی مسئولیت خود جوانان و نوجوانان نیست. از منظر تفکر اسلامی، مسئولیت یک امر همگانی است و هر کس به سهم خود مسئول است. بنابراین چه نسل گذشته درباره پیامدهای تربیتی و اخلاقی فناوری‌های جدید به مسئولیت خود عمل کند چه نکند، نسل جدید باید خودش هم در این باره اطلاعات، آگاهی و هشیاری لازم را داشته باشد؛ چون همان‌گونه که این نسل می‌تواند بیشترین منفعت و استفاده مفید از این فناوری‌ها را داشته باشد، می‌تواند نخستین قربانی بی‌اخلاقی‌های ناشی از این فناوری‌ها نیز باشد. این نسل است که باید بیش از دیگران دلسوز خودش باشد و در قبال خود و جامعه‌اش احساس مسئولیت نماید.

با توجه به آنچه گفته شد چند پیشنهاد دوستانه به نسل جدید دارم:

۱. پیش از خرید هر یک از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی جدید یا قبل از استفاده از یک نرم‌افزار و برنامه یا حتی نصب یک بازی روی کامپیوتر یا تلفن همراه خود، ابتدا مطمئن شوید که این فناوری یا برنامه به کار شما می‌آید و داشتن آن واقعاً لازم است.

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تبلیغ

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



۲. درباره نقاط قوت و ضعف این فناوری‌ها و پیامدهای آنها اطلاعات لازم را کسب کنید. بخشی از این پیامدها به اخلاق و تربیت مربوط می‌شود و بخشی هم به موارد دیگر مثل نقض حریم خصوصی، سرقت اطلاعات و سرمایه و حتی تأثیر منفی بر روی سلامتی جسمی شما.

۳. با افراد مطلع و قابل اعتماد مشورت کنید. این افراد در قدم اول می‌توانند والدین باشند و در قدم بعد کسانی که در زمینه این فناوری‌ها و در زمینه اخلاق، تربیت و دین‌داری اطلاعات و صلاحیت‌های لازم هستند. همان‌طور که برای استفاده فنی هرچه بهتر از این فناوری‌ها به یک متخصص ماهر مراجعه می‌کنید درباره ابعاد و تأثیرات تربیتی آن هم به متخصصان تعلیم و تربیت، تبلیغ و اخلاق مراجعه کنید.

۴. این فناوری‌ها امروزه امکانات بسیار گسترده، ساده و جذابی را برای ارتباط با دیگران، اعم از آشنا و غریبه، فراهم کرده است. این ارتباطات در بسیاری از موارد می‌تواند، خطرآفرین باشد و گاه سرمایه ارزشمند جوانی، سلامت جسمی و روحی و اخلاقی و اعتقادی انسان و حتی جان و مال و آبروی او را بر باد دهد. از این‌رو تا وقتی کسی را به درستی نشناخته‌اید به او اعتماد نکنید و به‌ویژه اطلاعات شخصی، خانوادگی، کاری و مانند آن را در اختیار او قرار ندهید. در فضای مجازی همواره داشتن درصدی از سوءظن و احتیاط لازم است تا انسان در دام شیادان و سارقان آبرو و حیثیت و سرمایه خود در این شبکه‌ها نیفتد.

۵. اگر در استفاده از این فناوری‌ها به مشکلی برخورد کردید به‌جای مخفی کردن، بهتر است آن را با افراد مورد اعتماد در میان بگذارید تا جلوی ضررها و هزینه‌های بیشتر گرفته شود.

۶. توجه داشته باشید که یکی از عوامل تشدیدکننده، اعمال محدودیت از سوی والدین یا مدیران، عملکرد نادرست و مسئولیت‌گریزی برخی از جوانان و نوجوانان است. بنابراین، به‌جای اینکه فقط نسل بزرگ‌ترها را محکوم کنید و مقصر بدانید، خوب است تأمل کنید که آیا شما هم در این زمینه به اندازه کافی به مسئولیت‌های خود عمل کرده‌اید یا نه.



■ به عنوان آخرین سؤال، از آنجا که حضرت‌عالی سابقه زیادی در امر پژوهش و همکاری با نشریات دارید، چه پیشنهادها و نظراتی برای بهبود این فصلنامه که در ابتدای راه است، دارید؟

با توجه به نقش مؤثر رسانه‌های مکتوب و غیر مکتوب، به‌ویژه مجلات تخصصی، در دانش‌افزایی و اطلاع‌رسانی و در تولید علم در دنیای امروز، و با توجه به نیاز جدی جامعه ما به این‌گونه مجلات، انتشار هر نشریه‌ای را باید به فال نیک گرفت. از سوی دیگر، اهمیت مسئله تربیت و تبلیغ و لزوم تأملات جدی در این زمینه، ضرورت انتشار مجله‌ای، چون «تربیت تبلیغی» را دوچندان می‌کند. با توجه به سؤال شما در اینجا به چند نکته که می‌تواند باعث رشد و کارایی هر چه بیشتر مجله شود اشاره می‌کنم؛ هرچند خود برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران مجله هم قاعدتاً به این نکته‌ها توجه دارند.

۱. داشتن سیاست‌های کلان کوتاه‌مدت و بلندمدت و طراحی افق‌های بلند برای نشریه؛
۲. در نظر گرفتن «تبدیل مجله به یک منبع علمی، متقن و مورد اعتماد و نیاز» برای مخاطبان؛
۳. تدوین راهکارها و برنامه‌هایی برای وصول به اهداف فوق؛
۴. داشتن روحیه تعالی طلبی و راضی نشدن به وضع موجود؛
۵. بهره‌گیری از یک اتاق فکر خلاق، آگاه به زمان، آشنا با مباحث تبلیغ و تربیت و برخوردار از روحیه نوجویی و ابتکار؛
۶. توجه بیشتر به نکات شکلی و زیبایی‌شناختی مجله، مثلاً در طراحی جلد و صفحات؛
۷. ایجاد تنوع در قالب‌های ارائه مطالب و اکتفا نکردن به بخش مقالات؛
۸. مخاطب‌شناسی مستمر؛
۹. نیازشناسی مداوم؛

فصلنامه
علمی-تخصصی

پژوهش‌نامه

تربیت تبلیغی

سال اول
شماره اول

بهار ۱۳۹۲



۱۰. رصد کردن وضعیت موجود تربیت و تبلیغ در عصر حاضر و داشتن آینده‌نگری و انتخاب موضوع‌های ضروری مربوط به آینده؛
۱۱. میدان دادن به محققان و پژوهشگران جوان در کنار بهره‌گیری از توانمندی‌های نیروهای باتجربه‌تر؛
۱۲. داشتن نگاه وسیع و توجه به تبلیغ و تربیت تمدن‌ساز بر اساس مبانی اسلامی در عصر حاضر؛
۱۳. توجه جلی به مسئله آسیب‌شناسی تبلیغ و تربیت در عصر حاضر و به‌ویژه در جامعه خودمان؛
۱۴. فعال بودن و پرهیز از انفعال، با بهره‌گیری از روش‌هایی چون سوق دادن تلاش محققان به موضوعات جدید و نوپیدا، شناسایی و ارائه ایده‌های جدید، در دستور کار قرار دادن موضوع‌های ویژه، پرهیز از ارائه مباحث تکراری یا غیرضروری؛
۱۵. داشتن نگاه بین‌رشته‌ای به مسئله تبلیغ و تربیت؛
۱۶. توجه به مسئله روش‌ها و ابزارها در تربیت و تبلیغ؛
۱۷. برنامه‌ریزی و تلاش برای معرفی هر چه بیشتر مجله و توزیع بهتر آن؛
۱۸. تلاش برای تبیین دیدگاه‌های دینی در باب تبلیغ و تربیت، در عین توجه به مطالعات تطبیقی و بهره‌گیری از تجارب بشری در جوامع مختلف؛
۱۹. همه‌جانبه‌نگری و توجه به ابعاد مختلف تربیت، از قبیل تربیت عقلانی، اخلاقی، روحی و روانی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی؛
۲۰. برنامه‌ریزی برای پیش افتادن یک یا دو شماره از زمان مقرر برای انتشار هر شماره، جهت پرهیز از تعجیل در تهیه مطالب و افزودن بر قوت و استحکام آنها.

■ از صبر و حوصله شما در پاسخ به سؤالات فصلنامه سپاسگزاریم.

بنده هم از شما متشکرم و برای شما و خوانندگان گرامی نشریه آرزوی موفقیت دارم.

